



تاریخ مشروطه

شاه جوان در مسیر خودکامگی ... ۲۲



حکمت و اندیشه

پیامبری و رهبری ۲۰

جریان‌ات فکری به جای مشروطه‌سرای... ۲۱



ادبیات و کتاب

ریشه‌هایم را صدا کن ۱۸

گذران روز ۱۹



رسانه و سینما

رادیو؛ داغ مثل تابستان ۱۶

جهنم کیشولفسکی ۱۷



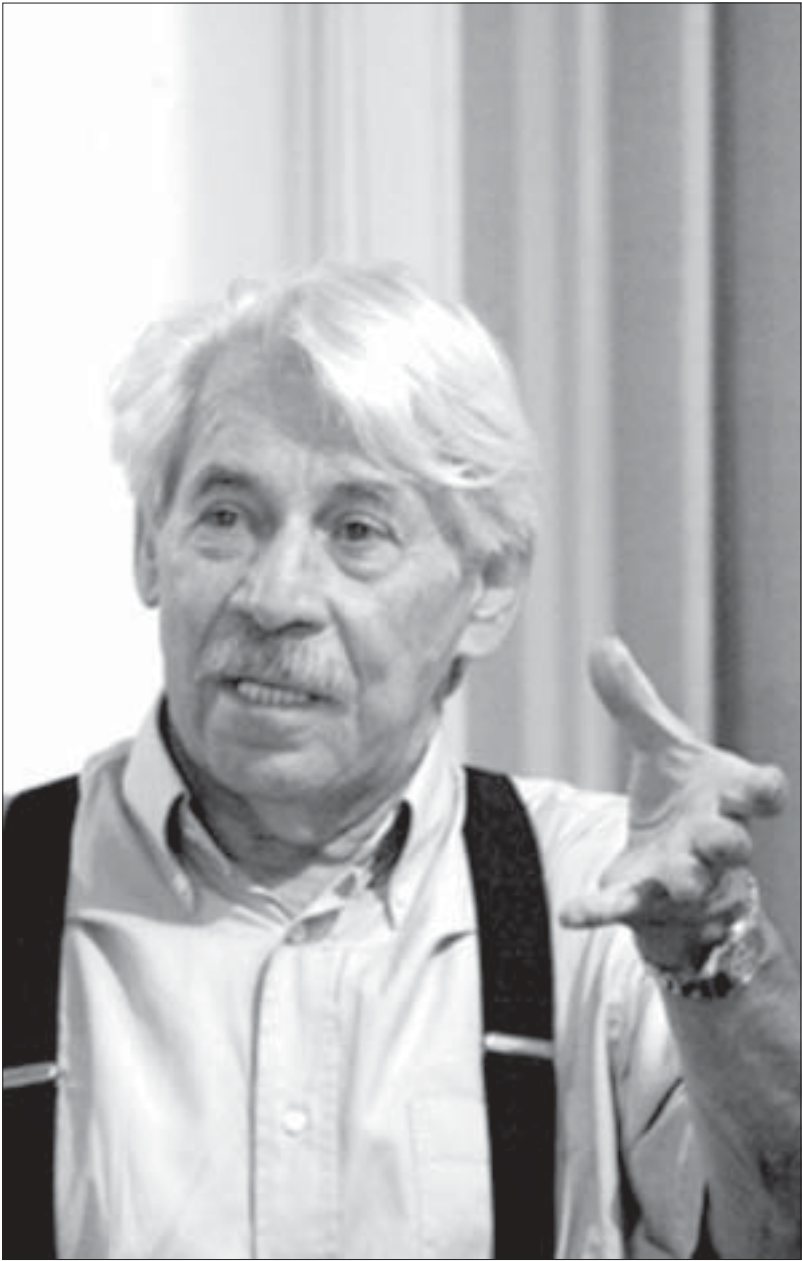
نگاه اول

زبان تئاتر ما گنگ است

جعفر والی

زبان تئاتر ما گنگ است و نمی‌تواند خیلی مسائل را صریح بگوید. به همین دلیل دنبال استعاره، نماد و فرم می‌رود تا بتواند پیام خود را به تماشاگر منتقل کند. تئاتر ما آشفته بازاری است که انسان امروزی و شرایط زندگی او را در این تئاتر نمی‌بینیم. موضوعات جامعه امروز آن‌طور که باید در تئاتر ما مطرح نمی‌شود و برخی نمایش‌ها آنقدر انتزاعی و دور از ذهن است که تماشاگر نمی‌تواند با آن ارتباط برقرار کند. ما نسلی با تمام رویاها، آرزوها و سرگشتگی‌ها بودیم. من برای تئاتر زندگی گذاشتم و با عشق و علاقه کار می‌کردم و در عین حال پشیمان هم نیستم. پس از اینکه خرداد سال ۳۲ از هنرستان هنرپیشگی فارغ‌التحصیل شدم، دو ماه بعد در ۲۸ مرداد تمام تئاترها بسته شد. عده‌ای از شاگردان هنرستان هنرپیشگی دور هم جمع شدیم و شاهین سرکیسان به ما پناه داد و مخفیانه تئاتر را شروع کردیم و گروه تئاتر ملی را تشکیل دادیم. ما در کنار هم به این نتیجه رسیدیم که نگاهی به تئاتر ملی داشته باشیم. عباس جوامرند داستان‌های صادق هدایت از جمله «محلل» و «مرده خورها» را تبدیل به نمایش کرد و وقتی این نمایش‌ها روی صحنه رفت و با استقبال روبه‌رو شد ما فهمیدیم نطفه تئاتر ملی را درست پایه‌گذاری کردیم. ما آنقدر روی تئاتر ملی تعصب داشتیم که اجازه نمی‌دادیم در تالار سنگلج نمایش‌های غیرایرانی اجرا شود که نتیجه آن این بود که نمایشنامه‌نویسانی چون اکبر رادی، غلامحسین ساعدی، بیضایی و... به ننگارش نمایشنامه‌های ایرانی روی آوردند. همیشه سعی کردم با نسل جوان زندگی کنم، ارتباط داشته باشم و حرفشان را بفهمم. این ارتباط موهبتی است که خدا نصیب من کرده و از این بابت خدا را شکر می‌کنم. در حال حاضر امکانات زیادی در اختیار جوانان است، هر چند به نظر کم می‌آید اما به نسبت دوران ما امکانات زیادی وجود دارد. کتاب‌ها و مجلاتی که درباره تئاتر منتشر می‌شوند، در دوران ما وجود نداشت. مشکل جوانان ما این است که ما در شهرهایی مثل ناهاند، اراک و... دانشکده تئاتر داریم اما استاد نداریم. دانشجوی برای به نمایش درآوردن کارش نیاز به عرصه دارد اما این عرصه برای او فراهم نیست و برای اینکه آن را به دست بیاورد، مدام با دیگران سر و کله می‌زند و در نوبت قرار می‌گیرد.

ادامه در صفحه ۱۹



عکس: شبکه نمایشان

گزارشی از تمرین نمایش «زمین مقدس» با بازی داوود رشیدی

تشویش و انتقام

مهباز رشیدیان

بعد از آن خلایق فردی بازیگران مطرح می‌شود. «در نهایت نیز با ترکیب دیدگاه‌های ایوب آقاخان شکل می‌گیرد. صحنه‌ای که اکنون لایه‌لای صندلی‌های راحتی، میز منشی، کتابخانه، صندلی‌های پایه‌بلند اتاق کنفرانس، گلدان‌های سفالی و... تصویر می‌شود. تمرین‌های «زمین مقدس» طی رفت و آمدهای مکرر به اتاق‌هایی که با یک دیوار کوتاه از هم جدا شده‌اند صورت می‌گیرد. اتاق‌هایی که وقتی «افسانه ماهیان» از یکی از آنها خارج می‌شود، کتابون نزاده وارد می‌شود که حالا دور از چشم پدر، شغلی در آمریکا دارد و دوستی به نام «بن». پیرمرد نام این دوست را خوب می‌شناسد نام صاحب کافه‌ای است که دانشجویان ایرانی روبرو معماری دهه هفتاد آن‌جا جمع می‌شدند و چشم او زنی روس تبار را به خاطرش می‌سپارد. زنی که ظاهراً اینک اصلی‌ترین دلیل حضور دوباره‌اش در آمریکاست. زنی که باعث خیانت او به زن، رفیق، تفکر و تمام آرمان‌هایش بود. خاطره‌ای که تمام وجودش را مشوش می‌کند. تشویشی که حتی نوشتن هم آرامش نمی‌کند. هیچکس را آرام نمی‌کند، حتی کتابون را که عقده خیانت پدر را در سینه دارد. خشمی که افسانه ماهیان با کوبیدن بطری آب به جای ظرف غذا فریادش می‌زند.

یک پیشکوت

ایوب آقاخان درباره حضور این پیر کهنه‌کار تئاتر می‌گوید: «تصور من این بود که بهترین گزینه از میان نسلی که پیشکوتان ما محسوب می‌شوند، داوود رشیدی است. او هنوز هم علاقه و اعتقادش به تئاتر را حفظ کرده است. حال چه در مقام کارگردان و چه در مقام بازیگر همچنان در صحنه حضور دارد و همواره ذهنیات‌شان روز به روز با شرایط معاصر در حرکت است. مهمتر از همه این که او با ذهنی باز و بدون توجه به اختلاف نسل‌ها حاضر شد با یک گروه جوان همکاری کند. داوود رشیدی بارها درباره ویژگی‌های متن اظهار لطف کرده‌اند و پیداست که اعتقاد زیادی به کیفیت متن دارند.» من در ادامه در لحظات استراحت تمرین از داوود رشیدی شنیدم که «به هیچ وجه نمی‌خواهم مقایسه‌ای بکنم. اما به گمان من زمین مقدس یکی از جذاب‌ترین متن‌های نمایشنامه‌نویسی امروز ایران است.» او در حالی که چایی‌اش را با هم زدن قاشق شیرین می‌کرد، درباره دلیل پذیرفتن

نمایش «زمین مقدس» به نوشته و کارگردانی «ایوب آقاخان» و بازی «داوود رشیدی» و «افسانه ماهیان» در دفتر داود رشیدی تمرین می‌شود. این تمرین‌ها قرار است به زودی به تئاترشهر منتقل شود. این نمایش مردادماه در مجموعه تئاترشهر به صحنه می‌آید و از صدای هما روستا نیز در استفاده خواهد شد. در این گزارش به یکی از روزهای تمرین «زمین مقدس» می‌پردازیم. ■ **چهل سال تجربه** وقتی به کوچ‌های که توی کاغذ آدرس نوشته شده وارد می‌شوم، دستیار ایوب آقاخان انتظارم را می‌کشد. در نیمه باز پلاک ۲۸ را وارد می‌شویم و لختی پشت در شیشه‌ای طبقه سوم منتظر می‌شویم تا صدای آشنای مردی فروکش کند که سینه‌اش با پیش از چهل سال خاطره از تاریخ تئاتر ایران، باز هم نفسی تازه می‌کند و با هر بازدم از «زمین مقدس» می‌گوید. زمینی که روزگاری همچون آرمان‌شهری بوده و حالا تنها خاطره‌ای است گنگ و محو که همه به خاطرش دارند، به جز مهندس مازیار نزاده حتی دخترش هم آن خاطره‌های ندیده را به یاد می‌آورد. خاطره‌ای که دوباره مرور می‌شود تا باعث چالش و انگیزه جدلی سخت و سرد میان پدر و دختری شود که بعد از سال‌ها دوری از وطن به راز پدر پی برده است. حالا دیگر سَر پدر را می‌داند. ناگفته‌هایی مخفی که تنها طرح محوی از آن را در گوشه‌ای نوشته تا شاید از بار سنگین عذابش کم شود و حالا سبک‌ترین عذاب را در زیرزمین یکی از خانه‌های ایالت میشیگان تحمل می‌کند، او در عذاب انتظار است. انتظاری که داوود رشیدی آن را در طبقه سوم خانه‌ای در شرق تهران نشانش می‌دهد.

شیوه کارگردانی

شاید اگر این خانه با دفتر کار داوود رشیدی نبود، ایوب آقاخان نمی‌توانست شیوه‌ای که در تمرین درازمدت برای کارگردانی‌اش اتخاذ کرده، اجرا کند. وی در این باره می‌گوید: «ما در نهایت دو ماه پیش از شروع اجرا می‌توانستیم در تئاترشهر تمرین کنیم.» آقاخان درباره شیوه کارگردانی‌اش به خبرنگار ایران تاتر می‌گوید: «بیش از هر چیز در ابتدا مدت زیادی را به خوانش و مفاهیم مشترک متن اختصاص می‌دهم. بعد از آن روحانی‌ها آغاز می‌شود. تقریباً زمان زیادی صرف خوانش طبق نظر دقیق من می‌شود. بعد از آن که درباره تأکیدها، حالت‌های خاص، ریتم خوانش، تعیین سکوت‌ها و... به توافق رسیدیم،

Life's Good

LCD برتر، الجی.

Monitors

سری مولتی مدیا M1710S 17" 1280x1024	سری سپیدفام L1720B 17" 1280x1024	سری نقره فام L1730S 17" 1280x1024	هم مانیتور هم تلویزیون M1710A 17" 1280x1024	سری سپیدفام L1740P 17" 1280x1024
سری مولتی مدیا M1510S 15" 1024x768	سری سپید فام L1520B 15" 1024x768	سری نقره فام L1530S 15" 1024x768	هم مانیتور هم تلویزیون M1510A 15" 1024x768	سری سپیدفام L1940PQ 19" 1280x1024
سری استاندارد L1950SQ 19" 1280x1024	سری استاندارد L1932P 19" 1280x1024	Ultra Slim Series L1980Q 19" 1280x1024	خدمات در محل شما در کمتر از دو ساعت 2 مادیران	